بسمه تعالی

ادیان ابراهیمی

Abrahamic religions

نادر حسن زاده

(تاریخ نشر۱۴۰۰/۲/۱۵ برابر با بیست و دومین روز ماه مبارک رمضان. تاریخ بازبینی ششم ۱۴۰۴/۵/۲۵)

hasanzadehr@yahoo.com

معجزات مهم در ادیان ابراهیمی:

هدف از نوشتن این مقاله نیاز مبرم به اطلاعات انبیای مرسلین در حین قرائت قرآن است. این مقاله نقشه راه است. شجره نامه است.

آدم بعد از این دیگر قرآن را با لذت می خواند. پیامبران و خویشاوندان ایشان را جلوی چشم خود می بیند.

می داند مثلا حضرت عیسی (ع) از کدام شاخه این درخت تنومند ادیان ابراهیمی است. می داند اگر کشتی نوح ساخته نمی شد ادیان ابراهیمی امروز وجود نداشت (مریم/۵۸). می داند چرا می گویند حضرت زکریا هیچ نسبت خانوادگی با حضرت مریم نداشت؟ اگر هم داشت از فامیل دور بود؟ در جائی نوشتند از نوادگان حضرت سلیمان بودند. می داند ترتیب و تاریخ بعثت ایشان چگونه بوده است؟ کدام شاخه تنومندتر است؟ چرا برای قوم یهود اینقدر پیامبر مبعوث شده است؟ چرا در منابع اینرنتی سن حضرت یحیی را با حضرت عیسی اشتباه می گیرند؟ جایگاه ویژه حضرت محمد (ص) کجاست؟ می داند دین های جعلی الی الابد جعلی هستند زیرا ریشه ندارند، کتاب ندارند، سیره ندارند. کف روی آب هستند. به آسانی فرو می ریزند. بر جاعلین آن هم جز دوزخ نصیب دیگری نیست.

این توفیقی بود که در ماه رمضان امسال نصیب من شد. زیرا بیشتر به قرآن مانوس شدم. هر آیه ائی خواندم از فهم دقیق آن درماندم! لذا صرفا قرآن نخواندم قرآن و تفسیر خواندم. هر مورد جدیدی که استنباط خودم بود بر آن افزودم. در واقع این مقاله کارنامه چندین سال تحقیق من روی اسلام، قرآن و انبیای مرسلین است. باید ریشه یابی دقیق می کردم و خیلی خوب هم جواب داد.

داستان ادیان ابراهیمی مملو از معجزات کن فیکونی خداست. نشان می دهد خداوند عالم برای هدایت بشریت در قالب سه دین یهودیت، مسحیت و اسلام تدابیر ویژه داشته است. همه اینها مدیون نسل نجات یافته در کشتی حضرت نوح (ع) است. رئوس مطالبی که در اصل متن بررسی شده است:

۱. حضرت ابراهیم حدودا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می زیستند.
۲. تولد اسحاق (ع) در سن پیری حضرت ابراهیم (ع) و سارا و ظهور پیامبران بسیاری از ذریه اسحاق (ع). بیشتر برای قوم بنی اسرائیل.
۳. تولد عیسی (ع) بدون داشتن پدر.
۴. تولد یحیی(ع) در سن پیری حضرت زکریا. تکرار داستان حضرت ابراهیم (ع).
۵. برخلاف منابع اینترنتی، تولد حضرت یحیی پس از تولد حضرت عیسی (ع) بوده است(لیکن در برخی منابع آمده است حضرت یحیی (ع) سه سال یا شش ماه از حضرت عیسی(ع) بزرگتر بوده است!

۶. حضرت عیسی (ع) و حضرت یحیی (ع) هر دو متولد فلسطین هستند. هر دو کودکی به پیامبری مبعوث شدند. با این تفاوت که بعثت حضرت عیسی (ع) از همان دوره شیرخوارگی و دوران گهواره بوده است. هر دو دارای کتاب بودند.

۷. از دعای حضرت زکریا پیداست که تنها فرزند او حضرت یحیی از نسل حضرت یعقوب بوده است (مریم/۶).

۸. در مورد انبیای بنی اسرائیل برغم مرجعیت و سندیت آیات قرآنی، تناقضات بسیاری در متون اسلامی مشاهده می شود. مثلا در مورد این نسبت: مریم خواهر هارون (يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا- ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبود و مادرت نیز بدکاره نبود(مریم/۲۸). کدام هارون؟ دو نوع هارون معرفی می کنند: هارون خوب و هارون فاسد!) و یا در مورد اینکه آیا زکریا با مریم نسبت فامیلی داشتند و یا هیچ نسبتی با هم نداشتند؟

پاسخ بین بلی تا نه خیر است!!

گروهی می گویند حضرت زکریا باجناق عمران پدر مریم بوده است (شکل ۸) و گروه دیگر می گویند بین حضرت عیسی (ع) و حضرت یحیی (ع) و خانواده های ایشان هیچ قرابت خانوادگی وجود ندارد (شکل ۷). **آنچه مسلم است همه این انبیا و همسران ایشان از خانواده بزرگ حضرت ابراهیم بودند و برای همین این سلسله انبیا از این خانواده بزرگ برخاسته اند. ابهام موجود در درجه خویشاوندی ایشان است؟ قرآن در این باره به این نکته فقط اشاره دارد که سرپرستی حضرت مریم را به زکریا سپردیم:** فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا .....پس پروردگار زکریا را سرپرست وی قرار داد (آل عمران/۳۷).

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که چون مادر مریم او را زائید در خرقه ای او را پیچید و آورد در بیت المقدس در نزد انبیاء که آن جا مشغول به عبادت بودند و آن ها بیست و نه نفر بودند و شرح نذر خود را بر آن ها بیان کرد. آن ها هر کدام داوطلب شدند که تکفل او را بپذیرند زیرا پدر مریم که عمران باشد مقام ریاستی بر آن ها داشت. **حضرت زکریا فرمود: من سزاوارترم بتکفل او زیرا خاله اش در منزل من است.** به این مقدار هم راضی نشدند. کار به قرعه کشید و قرعه بنام زکریا شد (دانشنامه اسلامی،۲۰۲۰).

تناقض این روایت در این است که چه نیازی بوده وقتی عمران پدر مریم در قید حیات است برای فرزند خود سرپرست انتخاب بکند؟ اگر هم فامیل بودند؟ چرا قرعه کشی کردند؟ اگر هم حضرت زکریا پیامبر بوده که بوده چرا باید تکفل حضرت مریم به غیر سپرده شود؟

۹. **از نسل حضرت اسماعیل (ع) فقط یک پیغمبر آنهم خاتم انبیا حضرت محمد(ص) مبعوث شده است. آنهم نه بلافاصله بلکه پس از گذشت ۲۱ نسل. غیر از حضرت محمد(ص)، سه پیامبر دیگر هم عرب زبان بودند: هود، صالح و شعیب. هر چهار پیامبر از نوادگان ابراهیم می باشند. اما اینکه از نسل حضرت اسماعیل باشند جز محمد (ص) در مورد بقیه، جای شک است.**

مستندات مباحث فوق (بقیه در متن):

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ* فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَا أُنْثَی وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْأُنْثَی وَإِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَإِنِّی أُعِیذُهَا بِکَ وَذُرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ* فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَکَفَّلَهَا زَکَرِیَّا کُلَّمَا دَخَلَ عَلَیْهَا زَکَرِیَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ یَا مَرْیَمُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ * هُنَالِکَ دَعَا زَکَرِیَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ* فَنَادَتْهُ الْمَلَائِکَةُ وَهُوَ قَائِمٌ یُصَلِّی فِی الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیَی مُصَدِّقًا بِکَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَیِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِیًّا مِنَ الصَّالِحِینَ* قَالَ رَبِّ أَنَّی یَکُونُ لِی غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِیَ الْکِبَرُ وَامْرَأَتِی عَاقِرٌ قَالَ کَذَلِکَ اللَّهُ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ:+

چون زن عمران (مادر مریم) گفت پروردگارا آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی* پس چون فرزندش را بزاد گفت پروردگارا من دختر زاده ام و خدا به آنچه او زایید داناتر بود و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می دهم* پس پروردگارش مریم را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می شد نزد او نوعی خوراکی می یافت می گفت ای مریم این از کجا برای تو آمده است او در پاسخ می گفت این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد بی شمار روزی می دهد* آنجا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی* پس در حالی که وی ایستاده و در محراب خود دعا می کرد فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به ولادت یحیی که تصدیق کننده حقانیت کلمهٔ الله (=عیسی) است و بزرگوار و خویشتندار و پیامبری از شایستگان است مژده می دهد* گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود در حالی که پیری من بالا گرفته است و زنم نازا است فرشته گفت کار پروردگار چنین است خدا هر چه بخواهد می کند (آل عمران/۴۰-۳۵).

آیات مربوط به دعای حضرت زکریا و تولد حضرت یحیی در سوره مریم عینا تکرار شده است:

إِذْ نَادَی رَبَّهُ نِدَاءً خَفِیًّا* قَالَ رَبِّ إِنِّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّی وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَیْبًا وَلَمْ أَکُنْ بِدُعَائِکَ رَبِّ شَقِیًّا* وَإِنِّی خِفْتُ الْمَوَالِیَ مِنْ وَرَائِی وَکَانَتِ امْرَأَتِی عَاقِرًا فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا* یَرِثُنِی وَیَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا:

آنگاه که زکریا پروردگارش را آهسته ندا کرد* گفت پروردگارا من استخوانم سست گردیده و موی سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگار من هرگز در دعای تو ناامید نبوده ام* و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زنم نازاست پس از جانب خود ولی و جانشینی به من ببخش* که از من ارث برد و از خاندان یعقوب نیز ارث برد و او را ای پروردگار من پسندیده گردان (مریم/۶-۳).

به زکریا وعده داده می شود که صاحب پسری بنام یحیی می شوند که تصدیق کننده عیسی است. طبق روایات، یحیی مروج آیین موسی(ع) بوده و وقتی که عیسی(ع)به مقام نبوت می رسد به او ایمان آورد و مروج آیین حضرت مسیح (ع) شد.

شروع داستان پیامبران ابراهیمی

مژده پسر برای حضرت ابراهیم در سن پیری:

هنگامیکه فرشتگان به صورت ناشناس و در هیبت انسان به حضرت ابراهیم (ع) ظاهر شدند به او مژده تولد اسحاق و از پی او یعقوب را دادند: وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ- و زن او ایستاده بود خندید پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم (هود/۷۱).

زن ابراهیم که به حالت ایستاده به حرف ها گوش می داد خندید و گفت: ای وای بر من آیا من صاحب فرزند می شوم؟ من که پیرزنم و این شوهرم پیرمرد است. واقعا این چیز بسیار عجیبی است.

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ- فرشتگان گفتند آیا از کار خدا تعجب می کنی رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان رسالت باد بی گمان او ستوده ای بزرگوار است (هود/۷۳).

هم ابراهیم و هم سارا از این خبر غیبی شگفت زده شدند.

شگفتی چرا؟ نخندی چرا؟

مگر کم شگفت است خداست

خدائی خداست

نخواهی خداست

شگفتی بپاست

عدم زنده دارد خداست

ملائک بخوانند ترا

عجوزی تراست

عروسی تراست

شیوخی تراست

به تو بر طرف آل اسحاق و یعقوب دهد

به عیسی پدر

به یعقوب پسر

به آدم نبات

به عالِم دوات او دهد

مجید است خدا

حمید است خدا

صفات را بر تو دارد خداست

به زحمت مرو زحمت رفتن هم با خداست

شجره ادیان ابراهیمی:

مفروضات:

۱. دین حضرت ابراهیم (ع) دین حنیف بود. اساس دین حنیف توحید است.

- ما كانَ إِبْراهِيمُ يَهُودِيًّا وَ لا نَصْرانِيًّا وَ لكِنْ كانَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (برخلاف ادّعای یهودیان و مسیحیان) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او فردی حق‌گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود (آل عمران/۶۷).
- وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا–و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است و خدا ابراهیم را دوست گرفت (نسا/۱۲۵).
- إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ– بدون تردید، ابراهیم به تنهایی یک امت بود، برای خدا از روی فروتنی فرمانبردار و یکتاپرستی حق گرا بود واز مشرکان نبود (نحل/۱۲۰).
- وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ– و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید خدا به او فرمود من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم ابراهیم پرسید از دودمانم چطور فرمود پیمان من به بیدادگران نمی رسد (بقره/۱۲۴).

اما چرا فقط ابراهیم (ع) به تنهائی یک امت واحد بود؟ زیرا:

- ✓ اولین بت شکن است
- ✓ موسس دین حنیف است.

- ✓ بنیانگذار بیت المقدس است.
- ✓ مسئولیت تجدید بنای جدید بیت الله الحرام با او و پسرش اسماعیل (ع) بوده است.

۲. **به مرور این دین و پیامبر واحد این دین به سه دین جدید انشعاب پیدا کرد (یهودیت، مسحیت و اسلام).**

۳. در حال حاضر ادیان ابراهیمی بیشترین پیروان عالم را دارند (شکل ۱/ویکی پدیا،۲۰۲۲).

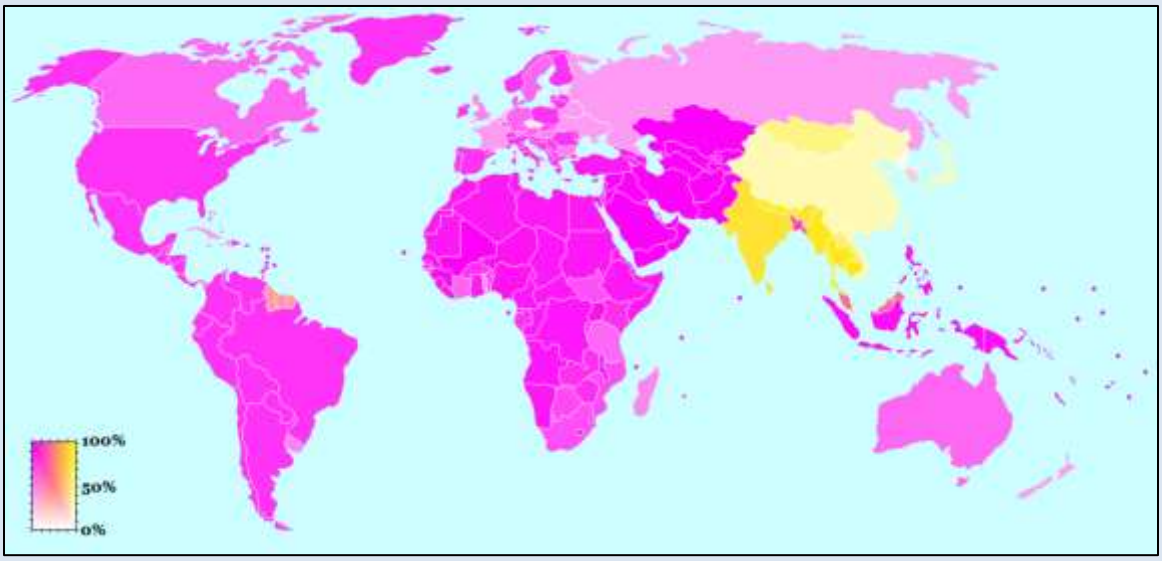

ادیان هندوی ادیان ابراهیمی

شکل ۱. مسیحیت بزرگ‌ترین دین ابراهیمی با حدود ۲٫۳ میلیارد پیرو است که حدود ۳۱٫۱٪ از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. اسلام دومین دین بزرگ ابراهیمی و همچنین دین ابراهیمی است که سریع‌ترین رشد را دارد. حدود ۱٫۹ میلیارد پیرو به نام مسلمانان دارد که حدود ۲۴٫۱٪ از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. سومین دین بزرگ ابراهیمی، یهودیت با حدود ۱۴٫۱ میلیون پیرو به نام یهودی است.

۴. طبق آمار موجود بیش از ۵۴ درصد از جمعیت جهان پیرو یکی از ادیان ابراهیمی می‌باشند. بزرگترین ادیان ابراهیمی به ترتیب زمان شکل‌گیری عبارتند از یهودیت (قرون نهم تا ششم قبل از میلاد)، مسیحیت (قرن یکم میلادی) و اسلام (قرن هفتم میلادی) است.

۵. احتمال داده می شود دین اسلام تا سال ۲۰۷۰ بزرگترین دین جهان بشود. در این تحقیقات پیش بینی شده است که جمعیت مسلمانان در اروپا افزایش یافته و تا سال ۲۰۵۰، ده درصد کشورهای اروپایی مسلمان خواهند بود (Anadolus Agency, 2017).

۶. پیامبران خدا همه در یک سطح و اندازه نیستند. بعضی چون پیامبران اولوالعزم بر بعضی برتری دارند: وَرَبُّکَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِیِّینَ عَلَی بَعْضٍ وَآتَیْنَا دَاوُودَ زَبُورًا- و پروردگار تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است و در حقیقت بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زبور دادیم (اسرا/۵۵).

حضرت نوح اولین پیامبر اولوالعزم است. یک سوره کامل به نام اوست. به دلیل عمر بسیار طولانی، به شیخ الانبیاء مشهور است.

۷. برغم تشابهات بسیار در احکام و احوال هر سه دین مهم ابراهیمی، تفرق و تشتت آرا در بین پیروان زیاد است. درحالیکه بین خود انبیا اختلافی نیست! شاید یکی از دلائل این انشقاق دو همسری حضرت ابراهیم و تبدیل یک دین واحد/پیامبر واحد/امت واحد به سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام است.

۸. اگر این دو و سه تیرگی هم در خاندان نبوت ابراهیمی نبود باز انتظار می رفت به مرور زمان پیروان ادیان ابراهیمی به چند فرقه و دسته تقسیم بشوند. **آیا مشیت خدا بر این چند دستگی بوده است؟** و یا افراد دلسوز شاهد انحراف در اصول دین خود بودند و مصلحین ایشان بفکر چاره افتادند تا با خون و قلم خود دین خدا را از انحراف و بدعت نجات بدهند غافل از اینکه خود وصله ناجور بر دین حنیف بودند. خدا کند نفسانیت عامل انشقاق نباشد که مجازات آن با خداست:

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ- پس وای بر کسانی که کتاب (تحریف‌شده ای) با دستهای خود می نویسند سپس می گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه از این راه به دست می آورند. بقره/۷۹).

۹. **تردیدی نیست این دنیا سرای امتحان و مزرعه آخرت است**. دین من و دین تو خود یک وسیله امتحان است. هر چند تلفات انسانی آن در طول تاریخ غیرقابل انکار است. جنگ‌های صلیبی یکی از گناه آلودترین، خونین ترین و طولانی ترین جنگ‌های مذهبی بشمار می‌آید که به دعوت پاپ برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس از دست مسلمانان برافروخته شد (۱۰۹۵-۱۲۹۱میلادی).

۱۰. دیدگاه خدا در مورد ادیان ابراهیمی:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ- و ما این کتاب (قرآن) را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهایشان با دور شدن از حقی که به سوی تو آمده پیروی مکن برای هر یک از شما امتها شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می خواست شما را یک امت قرار می داد ولی خواست تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید بازگشت همه شما به سوی خداست آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می کردید آگاهتان خواهد کرد (مائده/۴۸).

اطلاع داشتن حضرت ابراهیم از اولاد خود تا آخرین سرشاخه دین خود حضرت محمد (ص):

۱۱. آیا حضرت ابراهیم(ع) از تولد اولاد بعد از خود مطلع بود؟ مقداری که در آیات الهی آمده است نشان می دهد کمابیش از آن مطلع بوده است. حداقل از اولاد و انبیای نسل اول خود:

و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَی الْکِبَرِ إِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ-سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی اسماعیل و اسحاق را به من بخشید به راستی پروردگار من شنونده دعاست (ابراهیم/۳۹).

و بَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِیمٍ- و به او بشارت پسری دانا (اسحاق) را دادند (ذاریات/۲۸).

وَ بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِیا مِنَ الصَّالِحِینَ- ما او را به تولد اسحاق بشارت دادیم که پیامبری بود از صالحان (صافت/۱۱۲).

وَبَارَکْنَا عَلَیْهِ وَعَلَی إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِینٌ -و به او و به اسحاق برکت دادیم و از نسل آن دو برخی نیکوکار و برخی آشکارا به خود ستمکار بودند (صافت/۱۱۳). در تفاسیر اسمی از نسل ستمکار جز بنی اسرائیل نمی برند!! (سایت تدبر به نقل از المیزان).

فَبَشَّرْنَاها بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ یعْقُوبَ- ما او را به تولد اسحاق بشارت دادیم و نیز به تولد یعقوب بعد از اسحاق (هود/۷۱). لَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ وَکُلًّا جَعَلْنَا نَبِیًّا- و چون از آنها و از آنچه به جای خدا می پرستیدند کناره گرفت اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم (مریم/۴۹).

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِی ذُرِّیَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْکِتَابَ وَآتَیْنَاهُ أَجْرَهُ فِی الدُّنْیَا وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ- و اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا پاداشش را به او بخشیدیم و قطعا او در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود(عنکبوت/۲۷).

أُولَئِکَ الَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ یَکْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَیْسُوا بِهَا بِکَافِرِینَ- آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم و اگر اینان [=مشرکان] بدان کفر ورزند بی گمان گروهی دیگر را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند (انعام/۸۹).

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ نَافِلَةً وَکُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِینَ- و اسحاق و یعقوب را به عنوان نعمتی افزون به او بخشودیم و همه را از شایستگان قرار دادیم (انبیا/۷۲).

۱۲. به همین دلیل است که حضرت ابراهیم(ع) همه عمر شکرگزار نعمت های خدا بوده است. این سپاسگزاری در کلام قرآن از زبان حضرت ابراهیم مشهود است: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَی الْکِبَرِ إِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ *رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ *رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ- سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی اسماعیل و اسحاق را به من بخشید به راستی پروردگار من شنونده دعاست* پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر* پروردگارا روزی که حساب برپا می شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای (ابراهیم/۴۱-۳۹).

۱۳. رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ –پروردگارا در میان آنان فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که تو خود عزت بخش حکیمی (بقره/۱۲۹).

یکتا خلیل عالم

یکتا نبی آدم

یک شاخه از نبات است

یک ریشه از کتاب است

با رحمت الهی (صاحب دو فرزند از دو همسردر سن پیری و کهنسالی)

یک شاخه را فقیه کرد (حضرت اسحاق. مژده تولدش به پدر: غلام علیم. ذاریات/۲۸)

یک شاخه را ذبیح کرد (حضرت اسماعیل مژده تولدش به پدر: غلام حلیم. فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ. صافات/۱۰۱)

با یک دعای ایمان

یک شاخه را سفیر کرد

یک شاخه را نذیر کرد

این آدم قدیمی

این آدم صمیمی

ثلث خدا جدا کرد (آل علی و فاطمه)

این یک نصیب دیگر

این یک حبیب دیگر

از شاخه های دیگر

از غنچه های دیگر

قول ثقیل دیگر

قول فقیه دیگر

یکجا سنکجین کرد

یکجا ترنج دین کرد

چشمم به راه اکبر

دستم به کار احمد

دلائل وحدت در خانواده ابراهیم (ع):

تا قبل از رفتن به سرزمین فلسطین مشکلی در خانواده ابراهیم(ع) و لوط (ع) برادرزاده ابراهیم (ع) نبود:

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلامًا عَلىَ إبراهِيم*وَ أرَادُواْ بِهِ كَيْداً فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ* وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إلىَ الأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ*وَ وَهَبْنَا لَهُ إسْحَاقَ وَ يَعقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِين- گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش* و خواستند به او نیرنگی بزنند ولی آنان را زیانکارترین مردم قرار دادیم* و ابراهیم و لوط را رهانیده، به سرزمینی بردیم که آن را برکت جهانیان قرار داده‌ایم* و به او اسحاق را، و یعقوب را مضافاً بخشیدیم و همه را از شایستگان گردانیدیم (انبیاء/ ۶۹ تا ۷۲).

دلائل انشعاب در خانواده ابراهیم (ع):

۱. **دو همسری حضرت ابراهیم (ع).** شایان ذکر است در منابع اینترنتی به نقل از تاریخ طبری آمده است پس از رحلت سارا و هاجر، **حضرت ابراهیم (ع) دو بار دیگر تجدید فراش کرد.** از زن سوم شش پسر به نام های یقسان، زمران، مدیان، یسبق، سوح و بسرو از زن چهارم پنج فرزند به نام های کیسان، سورج، امیم، لوطان، نافس متولد شدند (اشکال ۳-۲). قرآن به این دو مورد اخیر اشاره نمی کند. زیرا محور تاریخ روی نسل اسحاق و نسل اسماعیل است.

۲. **دو مکانی خانواده زن اول (سارا و فرزندش اسحاق در فلسطین) با زن دوم (هاجر و فرزندش اسماعیل در حجاز)**

۳. **سه دینی این دو خانواده و آیات مختص هر خانواده**

۱. دو همسری حضرت ابراهیم (ع)

- سر منشا پیدایش سه دین مهم ابراهیمی، وجود نازنین ابراهیم(ع) و دو همسر وی سارا (زن اول) و هاجر (کنیز سارا) است.

-اسماعیل ثمره ازدواج او با هاجر کنیز مصری و اسحاق ثمره ازدواج او با سارا است.

-اِسْحاق و اسماعیل فرزندان حضرت ابراهیم (ع) و برادران ناتنی هم هستند. هر دو هم از اولین پیامبران آل ابراهیم هستند.

– واقعه ذبح اسماعیل، در کتاب مقدس یهودیان، برای اسحاق بیان شده **و یهودیان، آن را از دلایل برتری اسحاق بر اسماعیل می دانند.** برخی از اهل سنت نیز این عقیده را برگزیده‌اند (ویکی شیعه).

– مهمترین مشکل این تاریخ (تاریخ ادیان ابراهیمی)، دقیق نبودن تاریخ تولد و محل تولد و تاریخ وفات اسماعیل و اِسْحاق و بویژه اسماعیل است. و چون روایات هم با هم همخوانی ندارد سعی شده است تا می توانند سن این پیامبران اولیه دین ابراهیم (ع) و خود ایشان را بالاتر از حد معمول امروز بنویسند.

همین موجب شده است منابع دینی هر سه دین به سلیقه خود و به رای خود روایاتی را در این باره بنویسند:

بطورمثال:

۱. حضرت ابراهیم بعنوان دومین پیامبر اولوالعزم در جنوب عراق کنونی متولد (خبرگزاری میزان، ۱۱ تیر ۱۳۹۵) و در سن ۱۷۵ سالگی وفات یافتند (ویکی فقه).
۲. حضرت اسحاق ۵ یا ۱۳ سال بعد از اسماعیل متولد شد. در هنگام وفات حضرت اسحاق ۱۸۰ سال سن داشت (ویکی شیعه).
۳. تاریخ وفات حضرت اسماعیل در سن ۱۷۰ سالگی بوده است (ویکی شیعه).
۴. هنگام تولد اسحاق، ابراهیم بیش از ۱۰۰ سال عمر داشته و مادرش ۹۰ ساله بوده است (ویکی شیعه).
۵. اسحاق، پس از وفات برادرش اسماعیل، به نبوت رسید (ویکی شیعه) و پیش از وفات خود نیز، نبوت را بر اساس دستور خداوند، به فرزندش یعقوب سپرد.
۶. ابراهیم (ع) در سن ۸۰ سالگی با هاجر کنیز ساره، ازدواج کرد (خبرگزاری میزان، ۱۱ تیر ۱۳۹۵).
۷. ابراهیم (ع) آنقدر عمر کرد تا نوه‌اش یعقوب(ع) را نیز دید، آنچنانکه فرشتگان به او وعده کرده بودند (هود/۷۱).
۸. ساره در سن ۱۲۷ سالگی در منطقه حبرون درگذشت.
۹. هاجر در ۹۰ سالگی وفات نمود و در محل حجر اسماعیل دفن شد. پس از وفات اسماعیل او را هم در همان مکان دفن کردند.
۱۰. مقام سارا در نزد خدا: وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِن وَرَاء إِسْحَقَ يَعْقُوبَ – و زن ابراهیم ایستاده بود که از فرط شوق متبسّم (یا حائض) گردید، پس ما آن زن (سارا) را به فرزندی به نام اسحاق و سپس (فرزندش) یعقوب و (پیامبران بنی اسرائیل) بشارت دادیم. یعنی او مادر حضرت اسحاق و یعقوب و پیامبران بنی اسرائیل است (هود/۷۱).
۱۱. مقام هاجر در نزد خدا: زنی مصری است که در کتاب مقدس و در قرآن به او اشاره شده است. در کتاب مقدس فصل ۱۶، او کنیز ساره همسر ابراهیم است که توسط ساره به او بخشیده می‌شود تا از او فرزنددار شود. اولین فرزند ابراهیم به نام اسماعیل از او زاده شد. **نام هاجر در قرآن ذکر نشده‌است** و لیکن داستان او در سوره ابراهیم مورد اشاره قرار گرفته

است. او به عنوان مادر اعراب شناخته می‌شود و محمد (ص) از نسل وی می‌باشد. مراسم حج در اسلام داستان تلاش هاجر برای نجات فرزند خود را بازسازی می‌کند (ویکی پدیا دانشنامه آزاد).

۲. دو مکانی خانواده زن اول (سارا و فرزندش اسحاق در فلسطین) با زن دوم (هاجر و فرزندش اسماعیل در حجاز)

۱. سارا بخاطر کهولت از خود فرزندی نداشت و اسماعیل را چون فرزندش دوست می داشت. پس از تولد اسحاق، نسبت به هاجر و فرزند او حسادت کرد! سارا از ابراهیم (ع) خواست هاجر و اسمعیل را از منطقهٔ شام دور سازد. آنگاه از سوی پروردگار به ابراهیم فرمان داده شد تا هاجر و اسماعیل را که کمتر از دو سال شن داشت، به سرزمین حجاز ببرد. زیرا خداوند می‌خواهد تا از او، قومی بزرگ در آنجا پدید آورد(مشرق، ۱۱ تیر ۱۳۹۵).

۲. باز در ارتباط با حسادت سارا به هاجر: او وقتی که می‌دید ابراهیم فرزند نوگلش اسماعیل را در کنار مادرش در آغوش می‌گیرد و او را می‌بوسد و نوازش می‌نماید، در درون ناراحت می‌شد و در غم و اندوه فرو می‌رفت، آتش حسادت در درونش شعله می‌کشید که چرا شوهرم ابراهیم باید همسر دیگر به نام هاجر داشته باشد؟ و هاجر که کنیز من بود، اینک همتای من شود؟ و پسرش مانند پسر من اسحاق مورد محبت ابراهیم قرار گیرد (ویکی پدیا دانشنامه آزاد). گوئی اسماعیل و اسحاق هم سن بودند!!

۳. برای اینکه این تاریخ دقیق تبیین بشود چند اصل را نباید از یاد نبرد:

۱. هاجر و اسماعیل وقتی سرزمین فلسطین را ترک کردند که اسماعیل شیرخوار بوده است. زیرا در هنگام جستجوی آب در مکه (بین صفا و مروه) او هنوز طفل شیرخوار است. پس فاصله سنی اسحاق و اسماعیل را هر چقدر بزرگتر محاسبه کنیم این تاریخ بهم می خورد.

۲. فاصله مکانی فلسطین به حجاز (مکه) از راه زمینی ۱۵۷۲ کیلومتر و هوائی ۱۴۹۴ کیلومتر است. وقتی ابراهیم(ع) این دو نفر را به مکه برد و برگشت باید اسماعیل خیلی از کوچکتر از سن اعلام شده بوده باشد. به عبارت دیگر سارا چند ماهی بیشتر شیرخوارگی اسماعیل را ندیده بود که ابراهیم را واداشت که آنها را از چشم او دور کند.

۳. شرایط دشوار آن مکان را می شود از زبان هاجر بعنون شکایت/اعتراض هنگام ترک محل توسط ابراهیم(ع) دریافت: هاجر در حالی که گریان و ناراحت بود صدا زد: ی ابراهیم! چه کسی به تو دستور داده که ما را در سرزمینی بگذاری که نه گیاهی در آن وجود دارد و نه حیوان شیر دهنده و نه حتی یک قطره آب، آن هم بدون زاد و توشه و مونس؟ ابراهیم گفت: پروردگارم به من چنین دستور داده است (ویکی فقه).

وقتی که ابراهیم به تپه ذی طوی رسید، همان جا که اگر از آنجا سرازیر می‌شد دیگر هاجر و اسماعیل را نمی‌دید، نظری حسرت بار به آنها نمود، آن گاه چنین دعا کرد: خدایا شهر مکه را شهر امنی قرار بده ـ خدایا من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگهدار ـ پروردگارا من بعضی از بستگانم (هاجر و اسماعیل) را در سرزمین بی‌آب و علف

در کنار خانه‌ای که حرم تو است ساکن کردم تا نماز برپا دارند، دلهای مردم را به سوی آنها و هدفشان متوجه ساز ـ و آنها و هدفشان متوجه ساز ـ و آنها را از انواع میوه‌ها ی (مادی و معنوی) بهره‌مند کن ـ خدایا مرا و فرزندانم را از نمازگزاران قرار بده ـ پروردگارا دعای مرا بپذیر و تقاضای مرا بر آور ـ مرا بیامرز و از لغزشهایم بگذر، و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در روزی که حساب قیامت برپا می‌شود بیامرز (ابراهیم/۴۱-۳۵).

۴. حضرت ابراهیم، داستان خواب و دستور الهی را وقتی به اسماعیل گفت، او باید ۱) نوجوان بوده باشد. حدودا ۱۳ سال که منابع مختلف ذکر کرده اند، ۲) خود ابراهیم (ع) مقیم مکه بوده باشد یا طبق برنامه مدون خود اینجا آمده باشد و ۳) به وجود و حضور اسماعیل جد حضرت محمد (ص) نیاز مبرم داشته باشد (مثلا کمک برای ساختن کعبه). اما دستور بالاتر از اینهاست: ۱) بستر سازی برای تاسیس یک دین جدید(اسلام) با بعثت محمد (ص) در چند قرن بعد، ۲) تغییر قبله اول مسلمین از بیت المقدس به مسجدالاحرام و ۳) بنیانگذار مکتبی که آخرین نسخه هدایت خدا برای بشر است.

۳. سه دینی این دو خانواده و آیات مختص هر خانواده:

دو تیرگی(دو همسری و دو مکانی) تبدیل به سه تیرگی دینی می شود. از نسل برادر کوچک تر (اسحاق) دین یهود و نصارا پدید می آید و از نسل برادر بزرگتر (اسماعیل) دین اسلام.

امروز این آتش (دینی) همچنان داغ داغ است. بین یهودیان با مسیحیان. بین مسلمانان و یهودیان و مسیحیان. فلسطین آوردگاه این رقابتهای دیرینه و کشت و کشتارهای دسته جمعی است.

-اکثر پیامبران ابراهیمی از نسل حضرت اسحاق هستند. اسحاق یک عالم به معنای تمام بود. از هاجر یک پیامبر آنهم از نسل حضرت اسماعیل.

-پیامبران نسل اسحاق همگی برای هدایت قوم بنی اسرائیل مامور شدند. از بس که بدقلق بودند! اینهمه پیامبر برای یک قوم در یک بازه زمانی طولانی یک استثناست.

-اسرائیل لقب حضرت یعقوب است و به اولاد حضرت یعقوب، بنی اسرائیل یا ذریه ابراهیم و اسرائیل گفته می شود.

دوره نبوت حضرت یعقوب (ع):

اولین انشعاب در دین حنیف ابراهیم: انشعاب یهود از دین حنیف ابراهیم (ع)

-حضرت یعقوب در شام با دو دخترِ خاله خود ازدواج کرد، از این دو خواهر دوازده پسر برای آن حضرت به دنیا آمدند.

-اسامی آنها به طوری‌که در سفر خروج آمده عبارت است از: رأوبین، شمعون، لاوی، یهوذا، یسّاکر، زبولون، بنیامین، دان، نفتالین، جاد، أشیر، که با حضرت یوسف (ع) دوازده نفر می‌شوند. هر کدام از اینها نیز در محلّی ساکن شده و صاحب اولاد و نسلی شدند، و مجموع آنها را بنی اسرائیل می‌گویند.

-اولاد یعقوب، سباط نامیده شده‌اند. زیرا در بنی اسرائیل، دوازده قبیله از دوازده اولاد حضرت یعقوب(ع) بودند، که به دوازده سبط معروف شده‌اند، چنان که اولاد اسماعیل(ع)، قبائل نامیده شده‌اند (دایره المعارف اسلامی).

-منشا همه اختلافهای تاریخی بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، این ۱۰ پسر حضرت یعقوب(ع) به استثنای حضرت یوسف و بنیامین است. زیرا این ده برادر به پدر خودشان حضرت یعقوب(ع) و برادر ته تغاری خودشان حضرت یوسف(ع) هم رحم نکردند چه برسد به پیروان حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص).

-کاش به جای این همه اولاد و نسل های بعد ایشان، حضرت یعقوب(ع) همین دو پسر خوشنام، افتخار زمین و آسمان حضرت یوسف و بنیامین را داشت و همه نوه های او از ناحیه همین دو پسر بود!

-خوشبختانه از زن سوم ابراهیم (ع) شش پسر به نام های یقسان، زمران، مدیان، یسبق، سوح و بسرو و از زن چهارم آن حضرت پنج فرزند به نام های کیسان، سورج، امیم، لوطان، نافس متولد شدند که شاید در تعدیل و تصحیح ژنوم این قوم موثر بوده اند (اشکال ۳-۲).

-هیچکس نمی داند بنیامین صاحب چند فرزند شد! و در مورد حضرت یوسف (ع) هم از قول مطهر بن طاهر مقدسی از مورخان قرن ششم آمده است: طبق تورات، حضرت یوسف در ۱۲۰ سالگی درگذشت و او با زلیخا ازدواج کرده بود و از او دو فرزند داشت:

۱. افرایم بن یوسف که جد یوشع بن نون، ولی‌عهد موسی پس از او بود
۲. منشا بن یوسف پدر موسی، دوست و مصاحب خضر؛ چنان‌که اهل کتاب برآنند (ویکی پرسش).

یکی از دختران حضرت یعقوب(ع) که به بنت یعقوب شهرت داشت، همسر حضرت ایّوب (ع) بود.

علت تعدد انبیا در بین قوم یهود:

نمی دانم چگونه اسامی ایشان را بخاطر می سپارند. شاید هم عمدا خدا سرگذشت انبیای بنی اسرائیلی را در جای جای قرآن ذکر می کند تا دنیا بداند ارشاد قوم یهود از سخت ترین کارهاست. در عین حال از واجب ترین آنهاست:

أُولئِکَ الَّذینَ أَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ مِنْ ذُرِّیَّةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّیَّةِ إِبْراهیمَ وَ إِسْرائیلَ وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُکِیًّا- اینان (از زکریا تا ادریس) همان رسولانی هستند که خدا از میان همه اولاد آدم و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشاندیم و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم، آنها را به لطف و انعام خود مخصوص گردانید (و حال آنها در بندگی چنان است) که هرگاه آیات خدای رحمن بر آنها تلاوت شود با گریه (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند (مریم/۵۸).

بسیاری از پیامبران بنی اسرائیلی مبلغ پیامبران قبل از خود بودند. فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ وَکُلًّا جَعَلْنَا نَبِیًّا* وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِیًّا- و چون از آنها و از آنچه به جای خدا می پرستیدند کناره

گرفت اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم* و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم (مریم/۵۰-۴۹).

پیامبران نسل اسحاق به مرور صاحب دو دین مستقل یهودیت با پیامبری حضرت موسی (ع) و مسیحیت با پیامبری حضرت عیسی (ع) شدند. پیش از این همه پیرو آئین ابراهیم خلیل بودند. نه یهودی بودند (بقره/۱۴۰) و نه نصارا بلکه مسلمان بودند (بقره/۱۳۳و ۱۲۸).

از نسل اسماعیل فقط یک پیامبر بنام حضرت محمد (ص) و یک دین بنام دین اسلام به دنیا معرفی شده است.

دوران نبوت حضرت موسی(ع) و کوچ قوم بنی اسرائیل از مصر به بیت المقدس:

بین زمان حضرت موسی (ع) تا زمان حضرت عیسی (ع) پیامبران متعددی مبلغ دین موسی و دین یهودیت بودند. معروف ترین ایشان: داود، سلیمان، دانیال، عزیز، ایوب، یونس، خضر، زکریا و یحیی: وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ کُلاًّ هَدَیْنَا وَ نُوحًا هَدَیْنَا مِن قَبْلُ وَ مِن ذُرِّیَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَنَ وَ أَیُّوبَ وَ یُوسُفَ وَ مُوسیَ وَ هَرُونَ وَ کَذَالِکَ نجَزِی الْمُحْسِنِین-و ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را به راه راست بداشتیم و نوح را پیش از ابراهیم و فرزندانش داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت نمودیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهی (انعام/۸۴).

قوم بنی‌اسرائیل (که خود به ۱۲ قوم تقسیم می‌شود) بازماندگان قبایلی هستند که ابتدا در حدود ۴۰۰۰ سال پیش در جنوب میان رودان (بین‌النهرین) ساکن بوده‌اند، بعد به سرزمین کنعانیان یا فنیقیان در حوزه دریای مدیترانه کوچ کردند. سپس به مصر مهاجرت کرده‌اند. در مصر مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و با ظهور موسی (ع) در حدود ۳۳۵۰ سال پیش (درگذشت آن حضرت را حدود هفده قرن پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند، ویکی شیعه)، به دین موسی گرویدند و طی مهاجرتی معروف توسط وی دوباره به سرزمین کنعان (منطقه باستانی در سوریه) انتقال داده شدند.

این قوم در حدود ۳۰۰۰ سال پیش اولین دولت خود را در همان سرزمین بنیان نهادند. بعدها در اثر هجوم بیگانگان و جنگ‌های داخلی ۱۱ قوم دیگر از بین می‌روند یا به عنوان برده در قوم یهودا ادغام می‌شوند. افرادی را که امروزه به بنی‌اسرائیل منسوب می‌کنند، در واقع بازماندگان قوم یهودا هستند (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، ۲۰۲۰).

بنابراین، یهودیان و صهیونیست ها اولین ساکنین فلسطین نبودند، **بلکه زمانی بسیار طولانی، قبل از این که آنها به این سرزمین بیایند فلسطین دارای سکنه بود.** در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد، اقوام سامی از قلب حجاز به سوی سرزمین هایی مانند فلسطین کوچ نموده و اقوامی چون اعراب کنعانی در فلسطین سکنی گزیدند و اولین ساکنین شناخته شده در فلسطین، کنعانی ها بودند. حدود هزار سال پیش از میلاد، اقوامی به نام فلسطینی که از دریای اژه آمده بودند، به این ناحیه راه یافته و جای کنعانیان را گرفتند. مدت ها پس از مهاجرت فلسطینی ها و کنعانیان به سرزمین فلسطین، قوم بنی اسرائیل، به همراه حضرت موسی (ع) در فلسطین سکونت کردند (اسلام کوئیست، ۱۳۸۹).

اما خود حضرت موسی (ع) در مصر متولد شد. او از نوادگان حضرت یعقوب (ع) و با شش واسطه نسل او به حضرت ابراهیم (ع) می رسد. آن حضرت در مصر مبعوث شد. تبلیغ دین یهودیت را با کمک برادرش هارون در سرزمین مصر پیش بردند. و وقتی دیدند تحت تعقیب فرعون هستند، قوم بنی اسرائیل را به یک بیابان خارج از مصر هدایت کردند (غرق شدن لشگریان فرعون و خود فرعون اینجا رخ می دهد). بعد از آن وارد سرزمین قدس شدند.

دوره نبوت حضرت عیسی (ع):

دومین انشعاب در دین حنیف ابراهیم: انشعاب نصارا از یهود:

-انشقاق در دین نسل اسحاق بوجود نمی آمد مگر یک پسری بدون پدر متولد می شد. یک تیره مستقل. یک احیای دینی در دین یهودیت. تا آن موقع همه پیرو دین یهودیت بودند. این نوزاد عیسی بن مریم نام داشت. روح خدا.

حضرت عیسی (ع) ۶۲۲ سال قبل از تاریخ هجری بدون داشتن پدر از حضرت مریم (ع) متولد شد (وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ:
و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان پیامبران دیگر درآوردیم (فرستادیم) در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت و به او انجیل را عطا کردیم که در آن هدایت و نوری است و تصدیق کننده تورات قبل از آن است و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است (مائده/۴۶).

مسیحیت در ابتدا فرقه‌ای از یهودیت شناخته می‌شد و سپس در قالب یک دین جداگانه تکامل یافت:

- وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ - و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد (آل عمران/۴۸)،

- لْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ-و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند آنان خود نافرمانند (مائده/۴۷)، ۳)

- وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ- و می گوید آمده ام تا تورات را که پیش از من [نازل شده] است تصدیق کننده باشم و تا پاره ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده برای شما حلال کنم و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه ای آورده ام پس از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید (آل عمران/۵۰).

دوره نبوت حضرت محمد (ص):

پس از عروج حضرت مسیح در سن ۳۳ سالگی باز یک فترتی پیش می آید تا اینکه پیامبر گرامی اسلام (ص) در سال اول عام فیل برابر با نخستین روز محرم سال ۵۷۰ میلادی در مکه متولد می شود. شهر مکه دو ماه و هفده روز قبل از تولد پیامبر (ص) مورد هجوم لشگریان فیل سوار "ابرهه" قرار گرفته بود. ابرهمه با تمام قوا قصد نابودی کعبه و مسجدالحرام را داشت که با سنگهای تعبیه شده در منقار ابابیل منهدم شدند. در سن ۴۰ سالگی آن حضرت به پیامبری و مقام خاتم الانبیائی رسید (احزاب/۴۰).

بنابراین، رسول اکرم (ص) به عنوان فرد برگزیده از ذریهٔ حضرت اسماعیل شناخته می شود. بر اساس چند روایت، اسماعیل در کنار هود، صالح، شعیبو حضرت پیامبر یکی از ۵ پیامبر عرب معرفی شده است.

از ویژگی دین اسلام محمدی: توجه به تقوا

اسلام از همان ابتدا دین ضعفا و مستضعفین بود.

با اهل تکاثر سر ناسازگاری داشت. در کنار آنها نبود بلکه روبروی آنها بود. مصداق بارز آن ابوسفیان.

بیشترین مخاطبان اسلام افراد عادی بوده اند. لشکریانش، اصحابش و کارگزارانش همه از طبقه ضعفا بوده اند. آغوشش بیشتر برای رنگین پوستان باز بوده است. مصداقش بارز آن ابوذر، یاسر و بلال.

اسلام محبوب شد زیرا با اقلیت ها کار کرد. بطور مثال سلمان فارسی. حواس اسلام در سرتاسر قرآن به این افراد است. به درماندگان، بردگان، در راه ماندگان، یتیمان، غلامان..... **در یک کلمه اسلام ناجی مستضفان جامعه بوده است.**

بالا بردن مقام ایشان تا ناموری ایشان از تضمین های دین اسلام بوده است. افرادی که در صدر اسلام حضور مقدس پیامبر (ص) را درک کردند و در غزوات شرکت کردند **ظاهرا یک نفر بودند. اما بخاطر ایمان بالا هر کدام یک لشکر بودند.** تسلیم شدن امثال ابوسفیان جز هدایت خدا و مجاهدت این مومنین میسر نبوده است. آیا این به این خاطر است که خود حضرت هاجر یک کنیز بوده است؟ از خانواده مستضعفین بوده است؟ آیا ژن او در خون اسلام است؟ اینهمه استقبال از اسلام بخاطر این سنگ بنای ژنومی حضرت هاجر با حضرت ابراهیم بوده است؟

آیه زیر گواه بر نوشته فوق است:

وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَیْنَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَکَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا- و همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت کسانیکه که صبح و شام خدای خود را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند وادار کن و مباد چشمان تو برای یافتن پیرایه‌های این زندگی دنیوی از ایشان منصرف گردد و به سوی ثروتمندان برگردد (کهف/۲۸).

شجره نامه پیامبران ادیان ابراهیمی

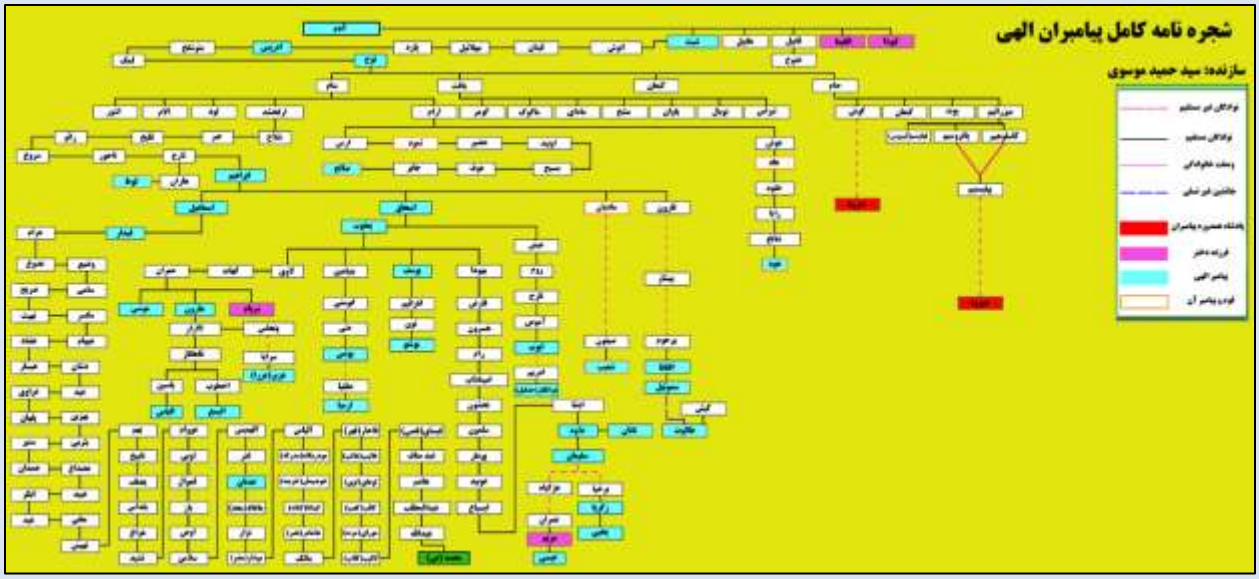

شکل ۴. شجره نامه کامل پیامبران اهلی از حضرت آدم تا خاتم. پایگاه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان، منبع پرسمان دانشجوئی.

شجره نامه پیامبران ادیان ابراهیمی



شکل ۵. شجره سه دین بزرگ ادیان ابراهیمی. بنابراین، آیین مسیحیت و یهودیت در سرزمین بیت المقدس و آیین اسلام در سرزمین حجاز آغاز شد (مجله علمی ایمانور، ۲۰۲۵).

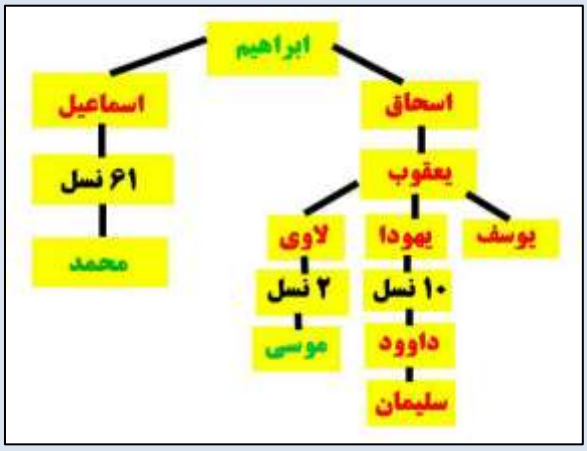

شکل ۶. تاریخ ظهور ادیان ابراهیمی. دین اسلام با یک تاخیر ۶۱ نسلی در حجاز اعلام موجودیت کرد (رضا احمدی قوام آبادی، ۱۳۹۶)

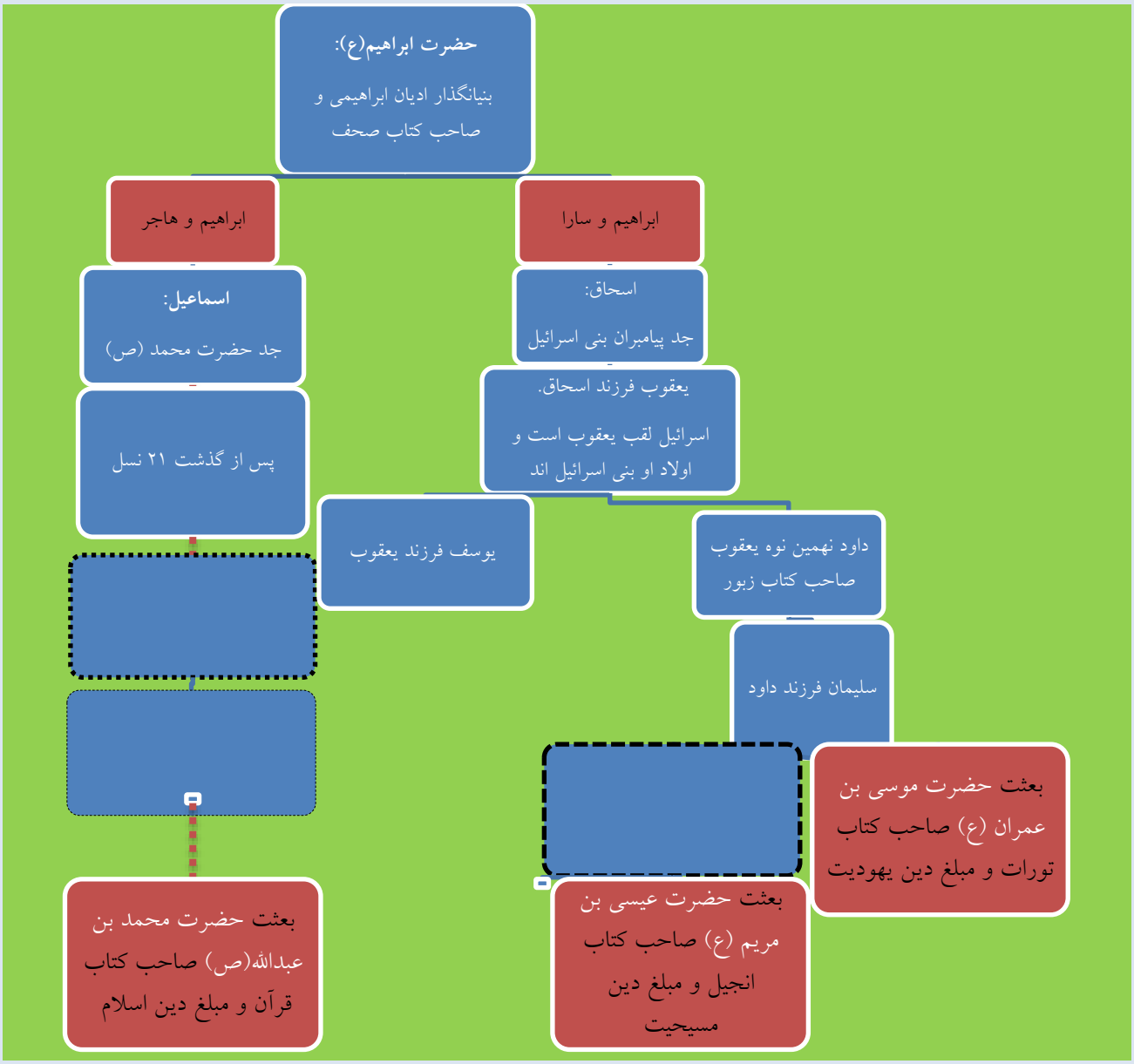

شکل۷. حضرت اسحاق (ع) جد اعلای پیامبران بنی اسرائیل و حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) بوده است. حضرت اسماعیل (ع) جد اعلای پیامبر اسلام (ص) است (جد بیست و یکم). بدین ترتیب بعثت حضرت محمد (ص) از نسل حضرت اسماعیل (ع) با تاخیر زیادی رخ داده است. در حالیکه اولین فرزند اسحاق، حضرت یعقوب است. داود نهمین نوه حضرت یعقوب است. سلیمان پسر داود است. یوسف پسر یعقوب است.... لازم به ذکر است پدر حضرت موسی (ع) و پدر حضرت مریم (ع) هر دو بنام عمران بودند (موسی بن عمران و مریم بنی عمران). هر دو شخص (عمران) از طایفه بنی اسرائیل و از اولاد یعقوب و ابراهیم بودند. نسب خود عمران پدر موسی (ع) چنین است: عمران بن یصهر بن فاهث بن لاوی بن یعقوب. آل عمران، بخشی از همان آل ابراهیم هستند. چنان‌که درباره آنها فرمود: ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ– انبیا ذرّیه واحد هستند که متشعّب شده‌اند برخی از برخی دیگر.

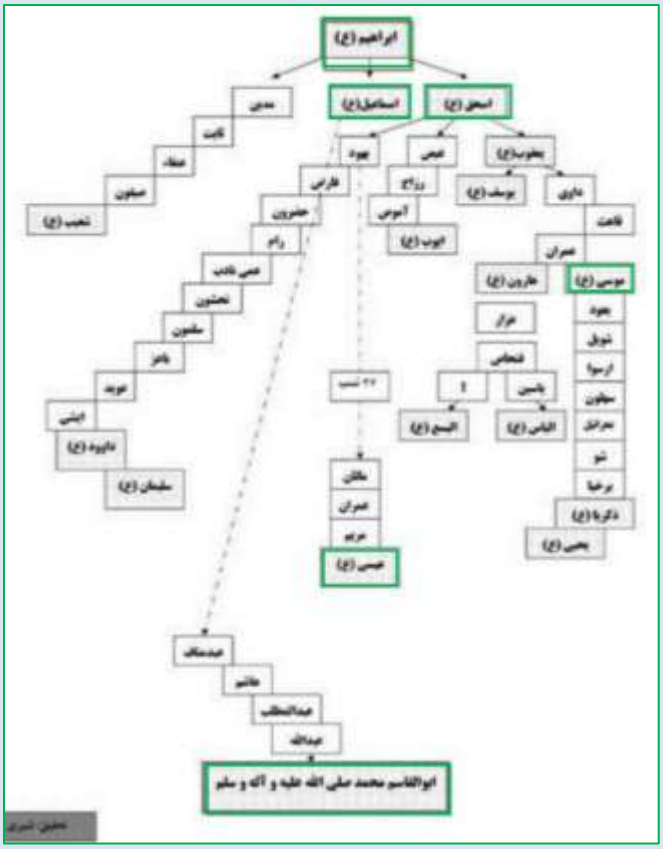

شکل۸. شجره کامل ادیان ابراهیمی. ابراهیم پسر آذر (تارح) است. نسبت فامیلی حضرت عیسی (ع) با حضرت زکریا (ع) طبق این شکل بسیار دور است و هیچ نسبتی به حضرت سلیمان (ع) ندارند.

کتب ادیان ابراهیمی

در فراز اول دعای قبل از افطار حضرت جبرئیل امین (ع) به پیامبر اکرم (ص) و از آن حضرت به امیرالمومنین (ع) اینگونه آمده است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ رَبَّ الشَّفْعِ الْكَبِيرِ، وَ النُّورِ الْعَزِيزِ، وَ رَبَّ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ، وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ. خدایا! ای پروردگار روشنی بزرگ و ای پروردگار تخت بلند، و ای پروردگار دریای پر میان، و ای پروردگار شفع، بزرگ و نور ارجمند، و ای پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن عظیم (مراجعه شود به مقاله خدا را از نو باید شناخت،۱۳۹۶ و خداشناسی محض،۱۴۰۲/۱/۱۱ در این سایت).



شکل۹. سه کتاب سه دین آخر ادیان ابراهیمی.

ای خدا این دین توست

هر دین تو یک دین توست

هر کتاب یک دین توست

یکتا کتاب ادیان توست

هر که گفت بی دین توست

گویم که او دیندار توست

هر که گفت بر من کتاب

گویم بلای دین توست

این بها و آن بها

گویم کجای دین توست

ذکر اسامی ابراهیم و اسحاق و اسماعیل علیهم السلام و محمد (ص) در قرآن

(۱۴۰۱/۸/۲۶)

نام ابراهیم (ع) ۶۹ بار در قرآن آمده است. یک سوره مستقل هم به نام اوست.

نام اسحاق (ع) ۱۷ بار در ۱۲ سوره از قرآن ذکر شده است.

نام اسماعیل (ع) ۱۲ بار در قرآن آمده است.

نام خود پیامبر گرامی اسلام (ص)، ۵ بار در قرآن ذکر شده است. چهار بار به نام محمد و یک بار به نام احمد. یک سوره مستقل هم به نام اوست.

سوره مستقلی به نام حضرت عیسی (ع) و حضرت موسی (ع) در قرآن نیست. اما به اسم حضرت نوح (ع) و حضرت یوسف (ع)، حضرت هود (ع)، و حضرت یونس(ع) سور مستقل است.

حتما ده ها حکمت در این نامگذاریها است. چرا اسماعیل ۱۲ بار و اسحاق ۱۷ بار؟ باز تناسبی در ذکر این نامها در کتاب شریف قرآن است. بین ایشان رقابتی نیست. رقابت در بین پیروان است. چون مقام پیامبران را درک نمی کنند.

جایگاه های معنوی ایشان در این دنیا روشن است و در آن دنیا روشن تر.

ابراهیم یک تنه یک دینِ حنیف است

یک شاخه از او علم یقین است (آل اسحاق. لقب او در قرآن غلام علیم است)

یک شاخه بر او عین یقین است (آل اسماعیل. لقب او در قرآن غلام حلیم است)

تذکره در خانه علم است (انبیای مرسلین متعدد از شجره آل اسحاق)

تبصره در خانه حلم است (یک پیغمبر از کل شجره آل اسماعیل)

سارا عتیق است

هاجر عقیق است

در هجرت او هجر عظیم است (هجر اسماعیل)

در خلوت او ذبح عظیم است (اسماعیل ذبیح الله)

این نسخه به ما سوره نور است

در صورت نور سرعت نور است

شامی که در او یک پسر است شام غریب است

اسلام فقط دین خدا دین حنیف است (بقره/۱۳۱ و ۱۳۳. آل عمران/۱۹)

تنها خداست که انبیای خود را بر می گزیند

(تاریخ نشر ۱۴۰۴/۵/۲۵)

سوره انبیا مملو از نام پیامبران معززی است که خدا برای اقوام مختلف در طول قرنها برگزیده است. اولین ایشان آدم (ع) و آخرین ایشان محمد (ص) است.

در این میان، ابراهیم (ع) یک موحد ویژه است. زیرا از جوانی رشید بود. نیاز به تکامل رشدی نداشت. ره صد ساله را یک شبه پیموده بود. پدر پیامبران یا ابوالانبیاء بود. به تنهائی یک امت بود. مطیع فرمان خدا، حق‌گرا و از مشرکان نبود (سوره نحل/آیه ۱۲۰).

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ- ما وسیلهٔ رشد یعنی هدایت شدن حضرت ابراهیم را از پیش به او عطا کردیم و ما به شایستگی او بر این مقام دانا بودیم (سوره انبیا/آیه ۵۱).

از این رو، وقتی قوم بت پرست خود شنیدند بتها را شکستند گفتند: کار، کار ابراهیم است زیرا او از جوانی مخالف بت پرستی بود.

تمام ادیان توحیدی از نسل و ذریه او سرچشمه گرفته است: یهود نصارا و اسلام. و بین پیروان این سه دین اختلاف از زمین تا آسمان است!

طبیعی هم هست. مسلمانان همه ادیان ابراهیمی را قبول دارند. یهودیان فقط دین یهود را قبول دارند. مسیحیان هم دین خود را.

اما معیار انتخاب افراد توسط خدا در مورد دیگر افراد چگونه است؟

پاسخ ساده است:

هرچه به انبیا نزدیک تر، هرچه از شیطان دورتر و هرچه به خدا نزدیک تر. کف کف آن: هرچه آدم تر و به حضرت آدم (ع)، اولین برگزیده خدا نزدیک تر.

خدا آدم گزیند

معما را گزیند

معلی را گزیند (کربلای معلی)

علی آل علی را بر گزیند

محمد را جدا از هم گزیند***

تو را در آسمان یکجا گزیند

تو را در ماه مهر خندان گزیند

برو ای آدمِ آدم کجائی

در این عالم فقط آدم گزیند

صبور باشی نباشی صبر گزیند

به تو فتح مبین زودتر گزیند

تو را در جای خود جانان گزیند

تو را در میکده مهران گزیند

مگو ما را چرا او بد گزیند

بَدان را بَدان با هم گزیند

به دادت می رسد داور گزیند

به خاک اندر شوی اعنبر گزیند

برو در راه حق، حق را گزیند

برو در راه پاک پاکان گزیند

تو را دیدم به راست راستی گزیند

تمام آدمی آدم گزیند

قضا از ما گذشت ما را گزیند

از این پس بهترین، بهتر گزیند

سلامم بر تو ای آدم گزیند

مرا هم گوشه ائی عزلت گزیند

***انتخاب آن حضرت ویژه بوده است. زیرا چون دیگر انبیای ابراهیمی، بر پایه سلسله مراتبی و اغلب بلافصل (نسل در نسل) انتخاب نشده است. بلکه با یک فاصله بسیار زیاد (۲۵۵۰ سال) از نسل حضرت اسماعیل (ع)، بعنوان خاتم الانبیا و تنها پیامبر در شجره اسماعیل (ع) برگزیده شده است. طبق منابع موجود، حضرت ابراهیم حدودا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می زیستند و حضرت محمد (ص) سال ۵۷۰ میلادی متولد شده است و این خود از شگفتیهای خدا در گزینش افراد منتخب است. البته تمایزات او و دین

او با دیگر انبیا بسیار فراوان و معنی دار است. از جمله محل بعثت او، قبله او، قبر او، نسل او که آئمه اطهار از نسل علی و فاطمه هستند و هیچ پیامبری چنین سلسله الذهبی/گوهری/سبزی ندارد.

دیگر نوشته های من مرتبط با این موضوع:

از هجرت تا رحلت حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (ص) ۱۴۰۳/۶/۱۲